**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه295– 12 /07/ 1399 عده‌ی وفات/ تکمله‌ی عروه** **/ اقوال فقها در عده**

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در عده‌ی وفات متمتع بها بود. طبق صحیحه‌ی عبدالرحمن بن الحجاج که در جلسات قبل مطرح شد، عده‌ی وفات متمتع بها، چهار ماه و ده روز می باشد. در این جلسه روایات دیگر این باب را بیان می کنیم.

# روایات عده‌ی وفات متمتع بها

## روایت دوم

نقل تهذیب: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع مَا عِدَّةُ الْمُتْعَةِ إِذَا مَاتَ عَنْهَا الَّذِي تَمَتَّعَ بِهَا قَالَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَارَةُ كُلُّ النِّكَاحِ إِذَا مَاتَ الزَّوْجُ فَعَلَى الْمَرْأَةِ حُرَّةً كَانَتْ أَوْ أَمَةً أَوْ عَلَى أَيِّ وَجْهٍ كَانَ النِّكَاحُ مِنْهُ مُتْعَةً أَوْ تَزْوِيجاً أَوْ مِلْكَ يَمِينٍ فَالْعِدَّةُ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً وَ عِدَّةُ الْمُطَلَّقَةِ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ الْأَمَةُ الْمُطَلَّقَةُ عَلَيْهَا نِصْفُ مَا عَلَى الْحُرَّةِ وَ كَذَلِكَ‏ الْمُتْعَةُ عَلَيْهَا مِثْلُ‏ مَا عَلَى‏ الْأَمَةِ.[[1]](#footnote-1)

ضمیر در «عنه» به محمد بن احمد بن یحیی بر می گردد و در نتیجه نقل تهذیب صحیحه است.

رَوَى عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع مَا عِدَّةُ الْمُتْعَةِ إِذَا مَاتَ عَنْهَا الَّذِي تَمَتَّعَ بِهَا قَالَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَارَةُ كُلُّ نِكَاحٍ إِذَا مَاتَ عَنْهَا الزَّوْجُ فَعَلَى الْمَرْأَةِ حُرَّةً كَانَتْ أَوْ أَمَةً أَوْ عَلَى أَيِّ وَجْهٍ كَانَ النِّكَاحُ مِنْهُ مُتْعَةً أَوْ تَزْوِيجاً أَوْ مِلْكَ يَمِينٍ فَالْعِدَّةُ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً وَ عِدَّةُ الْمُطَلَّقَةِ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ الْأَمَةُ الْمُطَلَّقَةُ عَلَيْهَا نِصْفُ مَا عَلَى الْحُرَّةِ وَ كَذَلِكَ‏ الْمُتْعَةُ عَلَيْهَا مِثْلُ‏ مَا عَلَى‏ الْأَمَةِ.[[2]](#footnote-2)

طریق مرحوم صدوق به عمر بن اذینه طریق معتبری است و در نتیجه نقل فقیه نیز صحیحه است.

نکاح در عبارت كُلُّ النِّكَاحِ به معنای وسیعی به کار رفته است؛ زیرا نکاح قطعا شامل ملک یمین نمی شود. در نتیجه در این روایت نکاح را باید به معنای علقه‌ی مصححه‌ی مباشرت دانست.

در عبارت مُتْعَةً أَوْ تَزْوِيجاً تزویج در معنای اصلی خود در مقابل نکاح به کار رفته است.

در مورد آیه‌ی 234 بقره بحثی مطرح است که آیا شامل متعه می شود؟

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾[[3]](#footnote-3)

اگر اطلاقات زوجیت شامل متعه شود، آیه نیز شامل متعه می شود؛ گر چه گاهی زوج در آیات قرآن به معنای عام به کار رفته است، مانند ﴿ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾[[4]](#footnote-4) اما اگر قرینه‌ی خارجی نباشد، نمی توان زوجیت را به معنای عام گرفت.

در يَذَرُونَ أَزْوَاجًا نیز به تنهایی و بدون قرینه‌ی روایات، عام دانستن ازواج مشکل است؛ اما روایاتی که عده‌ی وفات متمتع بها را نیز چهار ماه و ده روز ذکر کرده اند، ممکن است قرینه شوند که در آیه معنای عامی از «ازواج» اراده شده باشد.

بعضی از روایات، عده‌ی متمتع بها را چهل و پنج روز دانسته اند که ناظر به عده‌ی وفات نیستند.

دو روایت ممکن است به عنوان معارض روایاتِ چهار ماه و ده روز مطرح شود:

## روایت سوم

الصَّفَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ‏ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: عِدَّةُ الْمَرْأَةِ إِذَا تُمُتِّعَ بِهَا ثُمَّ مَاتَ عَنْهَا زَوْجُهَا خَمْسَةٌ وَ أَرْبَعُونَ‏ يَوْماً.[[5]](#footnote-5)

شیخ طوسی ذیل این روایت می فرماید:

فَهَذَا الْخَبَرُ ضَعِيفٌ جِدّاً لِأَنَّ رَاوِيَهُ أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ وَ هُوَ ضَعِيفٌ جِدّاً عَلَى مَا تَقَدَّمَ الْقَوْلُ فِيهِ وَ يَحْتَمِلُ مَعَ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ وَهْماً إِذَا أَحْسَنَّا الظَّنَّ بِهِ فَكَأَنَّهُ سَمِعَ ذَلِكَ فِي الْمُتَمَتَّعِ بِهَا إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُهَا فَرَوَاهُ إِذَا تُوُفِّيَ عَنْهَا زَوْجُهَا.[[6]](#footnote-6)

### بررسی سندی

#### احمد بن هلال

احمد بن هلال بحث مفصلی دارد که به آن نمی پردازیم. آیت الله والد در مورد احمد بن هلال می فرماید: احمد بن هلال گر چه ادعای وکالت می کرده است؛ اما به قدری وجاهت داشت و مورد قبول افراد بود که با توجه به توقیعاتی که در مذمت او وارد می شد، افراد آن مذمت ها و توقیعات را نمی پذیرفتند. شخصی که به دروغ گویی معروف باشد، نمی تواند چنین جایگاهی در طائفه داشته باشد. تعبیر «صالح الروایة» که نجاشی در مورد او گفته است، نشان می دهد، ثقه است گر چه بعضی روایات او مقبول نیست.

ابن غضائری در مورد احمد بن هلال می فرماید:

[غض‏] أرى التوقف في حديثه إلا فيما رواه عن الحسن بن محبوب من كتاب المشيخة و محمد بن أبي عمير من نوادره و قد سمع هذين الكتابين منه جلة أصحابنا و اعتمدوه فيهما[[7]](#footnote-7)

اگر روایات احمد بن هلال را فقط در مواردی که ابن غضائری گفته است، معتبر بدانیم، روایت مورد بحث تصحیح نمی شود؛ اما به نظر می رسد بتوان احمد بن هلال را به طور مطلق توثیق کرد؛ گر چه از جهت مذهب و عدالت، مورد تایید نمی باشد.

#### الحسن بن علی

مراد از حسن بن علی، حسن بن علی زیتونی است. در نرم افزار اسناد صدوق برای توثیق حسن بن علی به اکثار روایت سعد بن عبدالله از حسن بن علی استدلال شده است.

سعد بن عبد الله 22 مورد از حسن بن علی روایت دارد که در اکثر این موارد حسن بن علی به شخص دیگری مانند موسی بن حسن و محمد بن احمد بن ابی قتاده عطف شده است و فقط در نه مورد[[8]](#footnote-8) منفردا و بدون عطف آمده است که این مقدار برای اثبات وثاقت حسن بن علی کافی نیست. صفار نیز فقط شش روایت از حسن بن علی زیتونی روایت دارد.

در رجال نجاشی و فهرست شیخ ابن بطه از حسن بن علی روایت می کند که با توجه به تضعیف ابن بطه نمی توان حسن بن علی را توثیق کرد:

491 سهل بن الهرمزان‏

قمي، ثقة، قليل الحديث له كتاب نوادر. أخبرنا محمد بن محمد و غيره، عن الحسن بن حمزة قال: حدثنا ابن بطة، عن الحسن بن علي الزيتوني، عنه.[[9]](#footnote-9)

[345] سهل [بن الهرمزان‏]

سهل بن الهرمزان، له كتاب. رويناه بالإسناد الأوّل‏، عن ابن بطّة، عن الحسن بن علي الزيتوني، عنه.[[10]](#footnote-10)

نجاشی کتاب حسن بن علی زیتونی را از این طریق نقل کرده است:

143 الحسن بن علي الزيتوني‏

الأشعري أبو محمد له كتاب نوادر. أخبرنا محمد بن علي عن أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه، عن الحسن بن علي بكتابه.[[11]](#footnote-11)

با وجود این که کتاب نوادر حسن بن علی زیتونی را محمد بن یحیی العطار نقل کرده است، اما در اسناد کتب ما هیچ روایتی از «محمد بن یحیی العطار عن الحسن بن علی الزیتونی» وجود ندارد.

فقط یک روایت به این صورت وجود دارد:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الدِّينَوَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَة[[12]](#footnote-12)

احتمالا «الدینوری» مصحَّف الزیتونی است که در این صورت فقط یک روایت شامل «محمد بن یحیی العطار عن الحسن بن علی الزیتونی» می باشد.

تصحیف زیتونی به دینوری در علل الشرایع نیز دیده می شود:

21 أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍ‏ الدِّينَوَرِي‏[[13]](#footnote-13)

بحار نیز از علل الشرایع و عیون الدینوری نقل کرده است؛ البته در عیون چاپی، الزیتونی آمده است.

در مجموع پذیرش سند این روایت مشکل است.

### بررسی دلالت روایت

ممکن است مراد از تُمُتِّعَ بِهَا انقضاء مدت متعه باشد؛ یعنی موضوع بحث جایی است که مدت متعه به پایان رسیده است و سپس شوهر از دنیا رفته است؛ یعنی اگر شوهر در عده‌ی انقضاء اجل متعه از دنیا برود، وفات تاثیری در عده ندارد و زن باید همان عده‌ی انقضاء اجل را سپری کند. به عبارت دیگر عده‌ی عقد انقطاعی پس از اتمام مدت عقد، عده‌ی بائن است و در عده‌ی بائن اگر شوهر از دنیا برود، همان عده‌ی بائن پابرجاست و تغییری نمی کند.

در بحث امه نیز روایاتی وجود دارد که امه ای مطلقه می شود و سپس در ایام عده، عتق حاصل می شود؛ در این صورت بین عده‌ی طلاق رجعی و بائن تفصیل داده شده است.

در روایت داوود رقی امام صادق علیه السلام می فرماید:

مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي الْمُدَبَّرَةِ إِذَا مَاتَ مَوْلَاهَا أَنَّ عِدَّتَهَا أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَشْرٌ مِنْ يَوْمِ يَمُوتُ سَيِّدُهَا إِذَا كَانَ سَيِّدُهَا يَطَؤُهَا قِيلَ لَهُ فَالرَّجُلُ يُعْتِقُ‏ مَمْلُوكَتَهُ‏ قَبْلَ‏ مَوْتِهِ‏ بِسَاعَةٍ أَوْ بِيَوْمٍ ثُمَّ يَمُوتُ قَالَ فَقَالَ هَذِهِ تَعْتَدُّ بِثَلَاثِ حِيَضٍ أَوْ ثَلَاثَةِ قُرُوءٍ مِنْ يَوْمَ أَعْتَقَهَا سَيِّدُهَا[[14]](#footnote-14)

امه به سبب عتق باید عده نگه دارد و این عده، عده‌ی بائن می باشد. اگر در زمان عده، مرد از دنیا برود، زن باید همان عده‌ی بائن را سپری کند و نیازی نیست عده‌ی وفات نگه دارد.

## روایت چهارم

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الطَّاطَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي شُعْبَةَ الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً مُتْعَةً ثُمَ‏ مَاتَ‏ عَنْهَا مَا عِدَّتُهَا قَالَ خَمْسَةٌ وَ سِتُّونَ يَوْماً.[[15]](#footnote-15)

این روایت مرسل است.

در استبصار به جای «عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي شُعْبَةَ الْحَلَبِيُّ»، «علی بن عبدُ اللَّهِ ( عبیدالله) بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي شُعْبَةَ الْحَلَبِيُّ» آمده است.

علی بن عبیدالله از جهت طبقه با طاطری مناسب تر است. عبید الله در زمان امام صادق علیه السلام از دنیا رفته است و بعید است طاطری مستقیم از او نقل کند. طاطری روایات زیادی از ابن ابی عمیر دارد و در طبقه‌ی شاگردان ابن ابی عمیر می باشد.

در نتیجه نقل استبصار مناسب تر است.

علی بن عبید الله بن علی بن ابی شعبة الحلبی در هیچ سند دیگری نامش وارد نشده است و نمی توان او را توثیق کرد.

در ترجمه‌ی عبیدالله بن علی بن ابی شعبه عبارتی آمده است که توثیق همه‌ی آل ابی شعبه می باشد:

612 عبيد الله بن علي بن أبي شعبة الحلبي‏

مولى بني تيم اللات بن ثعلبة أبو علي، كوفي، يتجر هو و أبوه و إخوته إلى حلب، فغلب عليهم النسبة إلى حلب. و آل أبي شعبة بالكوفة بيت مذكور من‏ أصحابنا، و روى جدهم أبو شعبة عن الحسن و الحسين عليهما السلام، و كانوا جميعهم ثقات مرجوعا إلى ما يقولون. و كان‏ عبيد الله‏ كبيرهم‏ و وجههم.[[16]](#footnote-16)

ممکن است از این عبارت توثیق همه‌ی آل ابی شعبه استفاده شود؛ اما آیا كانوا جميعهم ثقات شامل افرادی که در طبقات بعد از عبیدالله هستند، می شود؟

در هر صورت علی بن عبید الله بن علی را که فقط در این روایت وارد شده است، نمی توان با این عبارت توثیق کرد.

در نتیجه این روایت از نظر سندی قابل اعتماد نمی باشد.

شیخ طوسی این روایت را بر امه حمل کرده است که دشوار می باشد.

# نتیجه

عده‌ی وفات متمتع بها بر اساس دو روایت اول که صحیحه هستند، چهار ماه و ده روز می باشد. روایت سوم و چهارم از نظر سندی ضعیف هستند و قابلیت استناد ندارند.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص157.](http://lib.eshia.ir/10083/8/157/%D8%AA%D9%85%D8%AA%D8%B9) [↑](#footnote-ref-1)
2. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج3، ص465.](http://lib.eshia.ir/11021/3/465/%D8%AA%D9%85%D8%AA%D8%B9) [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره بقره، آيه 234. [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره مؤمنون، آيه 6. [↑](#footnote-ref-4)
5. [استبصار، شیخ طوسی، ج3، ص351.](http://lib.eshia.ir/11002/3/351/%D8%AA%D9%85%D8%AA%D8%B9) [↑](#footnote-ref-5)
6. [استبصار، شیخ طوسی، ج3، ص351.](http://lib.eshia.ir/11002/3/351/%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D9%81) [↑](#footnote-ref-6)
7. الرجال (لابن داود)، ص 425 [↑](#footnote-ref-7)
8. بعضی از این نه روایت غیر فقهی است که نباید محاسبه شود. [↑](#footnote-ref-8)
9. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص185.](http://lib.eshia.ir/14028/1/185/%D8%A7%D9%84%D8%B2%DB%8C%D8%AA%D9%88%D9%86%DB%8C) [↑](#footnote-ref-9)
10. فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول (للطوسي) ( ط - الحديثة)، النص، ص 230 [↑](#footnote-ref-10)
11. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص62.](http://lib.eshia.ir/14028/1/62/%D8%A7%D9%84%D8%B2%DB%8C%D8%AA%D9%88%D9%86%DB%8C) [↑](#footnote-ref-11)
12. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص150.](http://lib.eshia.ir/11005/4/150/%D8%A7%D9%84%D8%AF%D9%91%D9%90%D9%8A%D9%86%D9%8E%D9%88%D9%8E%D8%B1%D9%90%D9%8A%E2%80%8F) [↑](#footnote-ref-12)
13. علل الشرائع، ج‏1، ص 199 [↑](#footnote-ref-13)
14. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص172.](http://lib.eshia.ir/11005/6/172/%D8%A7%D9%84%D8%B1%D9%82%DB%8C) [↑](#footnote-ref-14)
15. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص158.](http://lib.eshia.ir/10083/8/158/%D8%A7%D9%84%D8%B7%D8%A7%D8%B7%D8%B1%DB%8C) [↑](#footnote-ref-15)
16. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص231.](http://lib.eshia.ir/14028/1/231/%D8%AB%D9%82%D8%A7%D8%AA) [↑](#footnote-ref-16)